

الگوی نعمت‌شماری رفع نیازهای مردم، براساس پیمایش پیشرفته حدیث «حوائج الناس»^۱

^۲ مسعود طالبی مقدم

^۳ سید محمد کاظم طباطبایی

^۴ عباس پسندیده

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۶/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۱

چکیده

بسیاری از آموزه‌های دستوری اسلام مرتبط با دیگران سامان یافته است. از جمله مهم‌ترین آموزه‌های این مکتب، برطرف کردن نیازهای مردم است. تحقیق حاضر، ضمن تأکید بر قابلیت‌های متون دینی در تولید علم، به دنبال بررسی اثر نعمت‌شماری رفع نیازهای مردم بر اساس حدیث «حَوَائِجِ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ» است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و پیمایش گام‌های دو گانه (فهم عمومی حدیث و فهم پیشرفته حدیث)، در یک فرآیند قانونمند، از مسیر استخراج و صورت‌بندی علمی آموزه‌های قرآن و حدیث، به فهم عمیق حدیث، با استفاده از حرکت معکوس پرداخت. گاه انسان به خاطر تفکرات ناصحیحی که در ذهن، درباره روابط بین انسانی خود و دیگران پرورانده، دچار «رفتار حساب‌گرانه» می‌شود. نقطه مقابل این تفکر، نگاهی است که در آموزه‌های الهی ذکر گردیده است (نعمت‌شماری نیازهای مردم). حاصل پژوهش حاضر نشان می‌دهد که برخی افراد به جهت موقعیتی که دارند، برای برآوردن

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری «مسعود طالبی مقدم»، با عنوان «نعمت‌شماری رفع حوائج مردم از منظر قرآن و حدیث

(مبانی، دلایل، پیامدها) مطالعه موردی: پرستاری» است که به راهنمایی آقای دکتر «سید محمدکاظم طباطبایی» و

مشاوره آقای دکتر «عباس پسندیده» در دانشگاه قرآن و حدیث قم انجام گرفته است.

۲. دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم، رشته فقه و اصول (ehkh14@gmail.com).

۳. دانشیار دانشگاه قرآن حدیث (tabakazem@gmail.com).

۴. استاد دانشگاه قرآن و حدیث (Pasandide@qhu.ac.ir).

نیازهایشان مورد مراجعه مردم قرار می‌گیرند و لذا دچار ملالت می‌شوند. مرکز ثقل حدیث در این مسأله، واژه «نعمت» است. از آن جایی که معصوم علیه السلام، مرکز ثقل درمان ملالت را نعمت بودن نیاز مردم قرار داده، معلوم می‌گردد که علت ملالت، «نقمت دانستن» نیازهای مردم است. طبیعی است که برای درمان (یعنی ملول نشدن) باید عکس عمل کرد. گریزی یا گرایش انسان به برآورده کردن نیازهای مردم، وقتی اتفاق می‌افتد که فرد معطوف به اندازه‌سنجی (= سنجش سود و زیان) نیازهای مردم شود. در موقعیت‌های اجتماعی، پرستاری یکی از مشاغلی است که در معرض چنین رخدادی است.

کلیدواژه‌ها: نعمت‌شماری، حدیث حوائج الناس، فهم پیشرفته حدیث، نعمت، نقمت، نیازهای مردم.

۱. بیان مسأله

نیازمندی، اقتضای ذاتی هر ممکن‌الوجودی است. به عبارتی، نیاز در ذات وجود موجودات امکانی از جمله انسان نهفته است. انسان به خاطر زندگی فردی و اجتماعی که دارد، گریزی نیست که در این نوع از زندگی با نیازها و خواسته‌هایی از خود و دیگران روبه‌رو باشد و برای رفع آن‌ها، به دیگران مراجعه می‌کند؛ ولی انسان به خاطر تفکرات ناصحیحی که در ذهن، درباره روابط بین‌انسانی خود و دیگران پرورانده، دچار «رفتار حساب‌گرانه» می‌شود. منظور از حساب‌گری، عقل معاش نیست؛ چرا که آن باید باشد. منحصر بودن انگیزه‌های انسان، به «خودخواهی و نفع‌طلبی»، و محدود کردن منافع شخصی به درآمد و ثروت، انسان را قادر می‌سازد که در رفتارهای خود با سنجیدن سود و زیان شخصی از پیامد اعمال، گزینه‌ای را انتخاب کند که حداکثر سود را برای او تأمین کند.^۱

دین مبین اسلام، دینی با محوریت هم‌گرایی اجتماعی است.^۲ بسیاری از آموزه‌های اسلام، به ویژه آموزه‌های دستوری آن، مرتبط با دیگران سامان یافته است. از آیات قرآن استفاده می‌شود که اجتماعی بودن انسان در متن خلقت و آفرینش وی پی‌ریزی شده

۱. رک: سیر اندیشه اقتصادی، ص ۵۷.

۲. رک: پیام قرآن، ج ۲، ص ۴۵۴.

است.^۱ همچنین، آموزه‌های اسلام، همواره بر پرهیز از خودمحوری و خودخواهی انسان تأکید ورزیده است.^۲ در همین مسأله، از جمله مهم‌ترین آموزه‌های قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام، توجه به رفع نیازهای مردم و نیازمندان جامعه است. رفع نیاز حاجتمندان، از نکات قابل توجهی است که علاوه بر آیات قرآن، در جوامع حدیثی و منابع فقهی، بخش‌های مستقلی برای آن منظور شده است. «حوائج الناس الیکم من نعم الله»،^۳ «قضاء حاجة المؤمن»،^۴ «خدمة المؤمن»،^۵ «الاهتمام بامور المسلمین»^۶ و «الطاف المؤمن واکرامه»^۷ برخی از عناوین این ابواب است. نکته قابل توجه این است که روی آوردن نیازمند به انسان، در نگاه اسلام، طوری قلمداد می‌شود که گویا زمینه احراز یک منفعت سرشار است که می‌فرماید غنیمت بشمار و از آن خسته مشو! بعد اضافه می‌فرماید که خسته شدن از برآورده ساختن نیاز مردم، موجب تبدیل شدن این نعمت به عذاب می‌شود.

إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، فَاعْتَنِمُوها، فَلَا تَمَلُّوها فَتَتَحَوَّلَ نِعْمًا.^۸

بررسی سبک زندگی ائمه علیهم‌السلام نشان‌دهنده این موضوع است که یکی از مهم‌ترین درخواست‌های ائمه اطهار علیهم‌السلام از خداوند متعال، توفیق خدمت‌گزاری به مردم بوده است و آنان این خواسته ارزشمند خویش را در قالب دعاها و سخنان گهربار خویش ابراز می‌نمودند.^۹ سؤال اساسی پژوهش حاضر، کشف شیوه و راهکار معصوم علیهم‌السلام در مواجهه با عدم احساس ملالت از رفع نیازهای مردم است که بررسی و تحلیل این روش، در این پژوهش دنبال می‌گردد.

۱. سوره حجرات، آیه ۱۳.

۲. سوره زمر، آیه ۷۲.

۳. رک: بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۱۸؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۲، ص ۳۶۹.

۴. رک: مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۹، ص ۵۰.

۵. رک: مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۲، ص ۴۲۹؛ التوحید، ص ۳۴۰؛ الکافی، ج ۲، ص ۲۰۷.

۶. رک: الکافی، ج ۲، ص ۱۶۴؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۷۵، ح ۲۹؛ بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۳۹.

۷. رک: الکافی، ج ۲، ص ۲۰۶؛ بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۹۸.

۸. عیون الحکم و المواعظ، ص ۱۵۸.

۹. رک: صحیفه سجادیه، دعای ۲۰ و ۳۰.

۲. روش پژوهش و مراحل آن

حدیث دارای لایه‌های معنایی چندگانه‌ای است. از این رو، فهم آن دارای مراتبی است. البته هر مرتبه کارایی ویژه‌ای دارد. مهم این است که فهم هر مرتبه از مراتب معنا، روش خاص خود را می‌طلبد. پی بردن به لایه‌های عمیق‌تر معارف دین، نیازمند «فهم پیشرفته متن» است. مراد از فهم پیشرفته، کشف قوانین پنهان در متن است. این از اصول بنیادین است که آموزه‌های حدیثی براساس قوانین انسان‌شناختی صادر شده‌اند. ساختار روانی و روحی انسان، ضابطه‌مند و قانونمند بوده و قوانین آن بر همه بخش‌های مختلف حیات بشری حاکم است. فهم لایه‌های عمیق‌تر متن، نیازمند روشی پیشرفته‌تر است که مدل ارائه شده در مقاله «نسل دوم حدیث پژوهی؛ معنا، مبنا و روش»، ملاک عمل نویسندگان است.^۱

بدین ترتیب، در فرآیند فهم روایت مورد نظر، به ترتیب مراحل پنج‌گانه تشکیل خانواده حدیث،^۲ اعتبارسنجی حدیث،^۳ بررسی متن حدیث،^۴ کشف مسائل حدیث^۵ و تجزیه و تحلیل محتوای حدیث، برداشته می‌شود. مرحله (گام) پنجم این فرآیند، مبتنی بر یک حرکت معکوس است و شامل چهار گام ساختارشناسی، مسأله‌شناسی، سبب‌شناسی و تحلیل یافته‌ها می‌شود. در این مرحله، محقق از یک نقطه تأثیرگذار که در حدیث وجود دارد، حرکت خود را آغاز می‌کند و با دقت تمام و با پرسش‌های منظم و حساب شده، به لایه‌های

۱. رک: «نسل دوم حدیث پژوهی؛ معنا، مبنا و روش»، مجله علوم حدیث، ش ۱۰۰، ص ۶۴ - ۸۶؛ روش فهم عمومی متون دینی با رویکرد روان‌شناختی، ص ۱۹-۲۳۸.

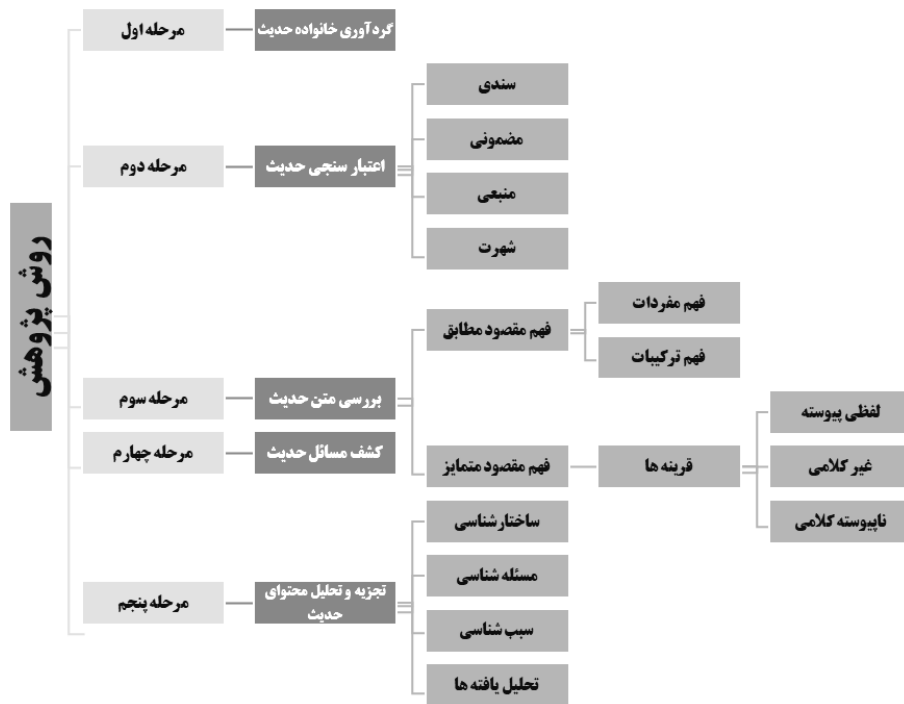
۲. آن چه موجب رسیدن به مقصود اصلی گوینده می‌شود و سیر حرکت از فهم متن تا فهم مقصود را سامان می‌بخشد، دست‌یابی به قرینه‌های لفظی و مقامی است. از این رو، نبود شناخت جامع از قراینی که در روایات هم‌مضمون پراکنده شده‌اند، هدف از مطالعه روایت را تأمین نکرده، فهم ناقص و ابتری را به دنبال خواهد داشت.

۳. فرآیند اعتبارسنجی احادیث در چهار مرحله اعتبار سندی، اعتبار مضمونی، اعتبار منبعی، و اعتبار شهرتی به انجام می‌رسد. فرآیند اعتبارسنجی حدیث، از جدول اعتبار حدیث در کتاب روش فهم عمومی متون دینی با رویکرد روان‌شناختی استفاده می‌شود.

۴. مراحل بررسی متن حدیث به دو مرحله کلی فهم مقصود مطابق و فهم مقصود متمایز تقسیم می‌شود و مرحله فهم مقصود مطابق را مرکب از دو گام فهم مفردات متن و فهم ترکیبات دانست. فهم مقصود متمایز نیز در گرو گردآوری همه قرینه‌ها، اعم از قرینه‌های لفظی پیوسته، قرینه‌های غیرکلامی پیوسته و قرینه ناپیوسته کلامی و نیز توجه به قدر مشترک در نقل معنا است.

۵. مهم‌ترین دستاورد حل مسئله، تولید «علم نافع» است.

عمیق تر نفوذ می‌کند و بنیان‌های علمی حدیث را با حرکت از گزاره به سمت قانون به دست می‌آورد.^۱



۳. ادبیات پژوهش

در انسان، چیزی به اسم نیاز وجود دارد که سرچشمه تمام فعالیت‌های بشری است. بررسی‌های صورت گرفته حاکی از این است که در مجموع، دو نگاه کلی نسبت به نیازهای مردم وجود دارد؛ ۱. دیدگاه منفعت طلبانه مادی، ۲. دیدگاه خاص مکاتب الهی. مکتب سرمایه‌داری، انسان را به گونه‌ای تعریف می‌کند که به تحریک نفس برای کسب لذت و جلب منفعت حرکت می‌کند و با اتکا بر عقل حساب‌گر خویش، بهترین راه دستیابی به منفعت، را برمی‌گزیند.^۲

۱. رک: «نسل دوم حدیث پژوهی؛ معنا، مبنا و روش»، مجله علوم حدیث، ش ۱۰۰، ص ۶۴-۸۶؛ روش فهم عمومی متون دینی با رویکرد روان‌شناختی، ص ۱۹-۲۳۸.
 ۲. رک: سیر اندیشه اقتصادی، ص ۵۷.

اما نگاه مکتب الهی نسبت به این مسأله متفاوت است. در تعالیم اسلام، رفع نیازهای مردم حوزه بسیار گسترده‌ای از احادیث شیعه و سنی و مباحث تفسیری، فقهی، اخلاقی، عرفانی و کلامی را به خود اختصاص داده است.^۱ در تفکر اسلامی، توجه به نیازهای مردم، گونه‌ای ذخیره‌سازی و سرمایه‌گذاری از ثروت دنیا برای روز قیامت است. تصویر زیبای امیر مومنان از مضمون آیه «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِنَفْسِكُمْ»^۲ نماد زاویه دید جدید در ترغیب مخاطب به رفع نیازهای مردم است. حضرت با تصویرسازی ویژه از سفر طولانی آخرت و نیازمندی انسان به زاد و توشه فراوان در آن وادی، نیاز نیازمند را نعمتی الهی دانسته که شامل حال انسان شده و انسان باید این نعمت را غنیمت بشمارد.^۳

قرآن کریم، علاوه از آیاتی که در آن‌ها «محسنین» را مورد تکریم و تعظیم قرار داده است، در چهار مرحله، به صورت صریح، آنان را محبوب الهی معرفی می‌نماید.^۴ رفع نیازهای مردم از مسائل اخلاقی مطرح در کتب عهدین است که به جد به آن توجه شده است. در عهدین مفاهیم مختلفی مانند زکات، صدقه، انفاق، اطعام نیازمندان و محبت به چشم می‌خورد که با توجه به مفهوم «رفع نیازهای مردم»، همه از مصادیق آن شمرده می‌شوند.^۵ در جایی صدقه دادن را عملی می‌دانند که خداوند خود اجر آن را خواهد داد و بالاخره، عمل نیک باعث حیات جاودانی می‌شود و در مقابل، بی‌توجهی به فقرا و نیازمندان موجب کیفر ابدی می‌گردد.^۶ اصل اساسی تورات، یعنی «هم‌نوع خود را مانند خودت دوست بدار»، در گنجینه‌ای از تلمود نیز بیان شده است.^۷ بی‌شک، مقام پرستاری از اعمال ارزشمند جوامع انسانی است که در مکتب اسلام نیز دارای جایگاه والا است.^۸ پرستاری بیمار از مصادیق «فعل معروف» و عملی مستحب است. آیات و احادیث متعددی بر ارزش والای مراقبت از بیماران تأکید دارند که تجلی آن در حرفه پرستاری است.^۹ قرآن کریم در آیه ۳۲ سوره مائده

۱. الکافی، ج ۲، ص ۲۶۱؛ بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۸۵، ح ۶.

۲. سوره اسراء، آیه ۷.

۳. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۴. سوره بقره، آیه ۱۹۵؛ سوره آل عمران، آیه ۱۳۴ و ۱۴۸؛ سوره مائده، آیه ۱۳.

۵. مزامیر داوود، ج ۹، ص ۱۱۲؛ انجیل متی، ج ۵، ص ۸؛ نامه اول قرن‌تین، ج ۱۲، ص ۱۳؛ یاسپرس، ص ۲۱.

۶. مزامیر داوود، ج ۴، ص ۶؛ لوقا، ج ۵۴، ص ۲۱۷؛ انجیل متی، ج ۴۰، ص ۲۵-۴۵؛ سفر تثبیه، ج ۲۲، ص ۱۷؛ سفر پیدایش، ج ۹، ص ۲۳.

۷. گنجینه‌ای از تلمود، ص ۲۳۳.

۸. رک: الکافی، ج ۴، ص ۵۴۵؛ بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۲۷۴؛ ج ۸۱، ص ۲۱۷؛ ج ۴۳، ص ۱۷۳؛ ج ۷۵، ص ۲۱.

۹. رک: بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۲۳۰؛ ج ۸، ص ۱۶۶؛ ج ۷۳، ص ۳۶۸؛ الکافی، ج ۲، ص ۱۹۴.

در این باره می‌فرماید:

وهرکس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است.

در جامعه ما با فرهنگ والای ایرانی اسلامی، پرستاری بیمار، عبادت محسوب می‌شود. لذا می‌توان از جمله راه‌های دستیابی به کمال انسانی و قرب به خداوند را پرستاری نامید.^۱ پرستاران به جهت موقعیت اجتماعی که دارند، مورد مراجعه مردم قرار می‌گیرند و لذا ممکن است دچار ملالت شوند. تغییر نگرش پرستار (نگاه وظیفه الهی - انسانی به شغل خود، نعمت شماری پرستاری و نعمت‌انگاری بیمار) به شغل خود، نشاط و علاقه ویژه‌ای در روی ایجاد می‌کند و او، به شغل خود به عنوان یک وظیفه الهی - انسانی خواهد نگرست. با چنین نگرشی، پرستار و نفس کار پرستاری، در ضمیر جامعه جای می‌گیرد.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. جمع نقل‌های متفاوت حدیث (خانواده حدیث)

یکی از مراحل مهم روش فهم حدیث، تشکیل «خانواده حدیث» است که در رسیدن به فهم کامل و نهایی از کلام معصوم علیه السلام نقش مهم و بارزی دارد. منظور از تشکیل خانواده حدیث، یافتن احادیث مشابه، هم‌مضمون و ناظر به یک موضوع محوری است که با شناخت نسبت میان آن‌ها با یکدیگر، به فهم دقیق حدیث نزدیک می‌گردیم. اهمیت تشکیل خانواده حدیث بدین خاطر است که سنت معصومان علیهم السلام همسان و همگون بوده و همه از یک منبع واحد سرچشمه گرفته‌اند. از این رو، احادیث وارده از ایشان، گرچه از جانب چند معصوم صادر شده باشد، با یکدیگر، هم‌آهنگ و هم‌خوان هستند؛ به گونه‌ای که می‌توان از بعضی در تبیین و تفسیر بعضی دیگریاری جست.

در این قسمت، بعد از بررسی خانواده حدیث مضمون روایت، به استخراج خانواده حدیث روایت مورد نظر پرداخته شده و نقل‌های متفاوت از این حدیث کشف و استخراج گردید.

۱. رک: صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۸۱.

ردیف	حدیث	منبع
۱	أَنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، فَلَا تَمَلُّوا النِّعَمَ، فَتَحُورُوا نِقْمًا	نزهة الناظر و تنبيه الخاطر
۲	حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، فَلَا تَمَلُّوا النِّعَمَ، فَتَحُورُوا نِقْمًا	کشف الغمة فی معرفة الأئمة
۳	إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، فَلَا تَمَلُّوا النِّعَمَ، فَتَحُورُوا نِقْمًا	الدرجة الباهرة من الأصداف الطاهرة
۴	حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، فَلَا تَمَلُّوا النِّعَمَ، فَتَتَحَوَّلَ إِلَى غَيْرِكُمْ	أعلام الدين فی صفات المؤمنین
۵	إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، فَأَعْتَنِمُوهَا، فَلَا تَمَلُّوها فَتَتَحَوَّلَ نِقْمًا	عیون الحكم و المواعظ
۶	وَاعْلَمُوا أَنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعْمَتِهِ تَعَالَى عَلَيْكُمْ	إرشاد القلوب إلى الصواب

۴-۲. اعتبارسنجی سندی و منبعی حدیث مذکور

انتساب سخنان دروغ به معصومان علیهم السلام در طول تاریخ به انگیزه‌های مختلف، باعث ایجاد دانش اعتبارسنجی شد. از دیرباز، علمای بزرگ شیعه تلاش‌های بسیاری در راه اعتبارسنجی احادیث انجام داده‌اند. در اعتبارسنجی سندی براساس کتاب‌هایی که به بررسی سندی پرداخته‌اند و نیز نرم‌افزار درایه‌النور انجام گرفته است و در اعتبارسنجی منبعی از آن جایی که درجه بندی و جای‌گیری صحیح آن‌ها در پژوهش و تأثیرگذاری آن‌ها با توجه به میزان اعتبار در تحقیق و همچنین در ذهن پژوهشگر، از موضوعاتی است که در پژوهش‌های غیرفقهی چندان بدان توجه نشده؛ لذا بسنده کردن به روایات با سند صحیح در پژوهش‌های غیرفقهی سبب از دست رفتن اکثر متون خواهد شد. در ادامه پژوهش، اعتبارسنجی منبعی براساس سند اعتبار منابع دارالحدیث^۱ صورت گرفته است. مدل ارزش‌گذاری متون در این سند، دو رکن اساسی دارد: درجه و رتبه. براین اساس، منابع به سه درجه الف، ب و ج تقسیم می‌شوند. روایات هفت‌گانه، از هفت منبع نقل شده‌اند که اعتبار

۱. رک: منطق فهم حدیث، ص ۲۵۱-۲۵۳؛ روش فهم حدیث، ص ۱۴-۱۹؛ روش فهم عمومی متون دینی با رویکرد روان‌شناختی، ص ۵۷-۷۲.

آن‌ها به شرح ذیل است:

ردیف	حدیث	اعتبار منبع		اعتبار سندى		اعتبار نهایی
		رتبه	کتاب	سند	نوع	
۱	أَنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعْمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، فَلَا تَمَلُّوا النِّعْمَ فَتَحْزَنُوا نِقْمًا	ج / ۱	نزهة الناظر و تنبيه الخاطر	دارد	مرسل	۲
۲	حَوَائِجُ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعْمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تَمَلُّوا النِّعْمَ فَتَحْزَنُوا نِقْمًا	ج / ۵	كشف الغمة فى معرفة الأئمة	دارد	مرسل	۳
۳	إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعْمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، فَلَا تَمَلُّوا النِّعْمَ فَتَحْزَنُوا نِقْمًا		السدرة الباهرة من الأصداف الطاهرة	ندارد	مرسل	۲
۴	حَوَائِجُ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعْمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تَمَلُّوا النِّعْمَ فَتَحْزَنُوا نِقْمًا	ج / ۴	أعلام السدين فى صفات المؤمنين	دارد	متصل	۳
۵	إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعْمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تَمَلُّوا النِّعْمَ	ج / واسطه	بحار الانوار	دارد	مرسل	۲
۶	إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَأَعْتَنِمُوهَا فَلَا تَمَلُّوهَا فَتَحْزَنُوا نِقْمًا	ج / ۶	غررالحكم و دررالکلم	ندارد	---	۳
۷	وَاعْلَمُوا أَنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعْمَتِهِ تَعَالَى عَلَيْكُمْ	ج / ۴	إرشاد القلوب إلى الصواب	دارد	غريب‌المتن	۲

* اعتبار نهایی با علائم ۴ (عالی)، ۳ (خوب)، ۲ (ضعیف) مشخص می‌گردد. در بررسی روایات هفت‌گانه، بالاترین اعتبار مربوط به روایت «حَوَائِجِ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعْمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تَمَلُّوا النِّعْمَ فَتَحْزَنُوا نِقْمًا» و «إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَأَعْتَنِمُوهَا فَلَا تَمَلُّوهَا فَتَحْزَنُوا نِقْمًا» است.

۵. بررسی متن حدیث

پس از بررسی نقل‌ها و اعتبار آن‌ها، برای مشخص شدن ساختار کلی حاکم بر روایت، نوبت به بررسی متن حدیث منتخب و دسته‌بندی داده‌های آن می‌رسد. در عبارت حدیث، واژه «حوائج»، کلیدی‌ترین عبارت متن حدیث است. ریشه «ح-وج» از سه حرف حاء، واو و جیم تشکیل شده و مفهوم اضطراب، نهایت احتیاج و نیاز به چیزی، طلب، استعطا و استدعا و امثال این معانی درباره این واژه آمده است.^۱ این به معنای آن است که گونه‌ای سرسپردگی و وابستگی شدید را - که غایت آن احتیاج و نیاز است - از ماده «حوج» می‌توان برداشت کرد.

۱. رک: العین، ج ۳، ص ۲۶۰-۲۵۸؛ المفردات، ص ۲۶۳؛ قاموس قرآن، ج ۲، ص ۱۹۱؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۱۱۴.

واژه «نعمه» از ماده ن-ع-م است. این واژه دارای مشتقات بسیاری است که دارای یک اصل واحد هستند. و آن اصل به معنای نیکو بودن حال و خوش‌گواری زندگی و آسایش است که در مقابل بؤس - که به معنای مطلق شدت است - قرار دارد.^۱

راغب آن را به معنای حالت نیکومی داند.^۲ و همچنین گفته‌اند نعمت چیزی است که خدا به انسان داده است.^۳ و قرشی اصل آن را از نعم فعل مدح می‌داند؛ زیرا آن را به جهت خوب و دل‌چسب بودن نعمت گفته‌اند.^۴ غَنِمْتُ وَغُنْمٌ وَغُنْمٌ (بروزن فُلْسٌ وَقُفْلٌ) به معنای غنیمت جنگ و هم به معنای هر فایده است. معنای اول از مصادیق معنای دوم است. پس آن یک معنا بیشتر ندارد و آن هر فایده است.^۵

راغب گوید:

غُنْمٌ (بروزن قُفْلٌ) در اصل دست یافتن به گوسفند است. سپس در هر دست یافته به کار رفته، خواه از دشمن باشد یا غیر آن.^۶

قاموس آن را فیء و رسیدن به شیء بدون مشقت گفته است.^۷ ظاهراً مرادش از «فیء» غنیمت است؛ گرچه فیء غنائم بعد از جنگ است. در اقرب الموارد آمده است:

غنیمت آن است که از محاربین در حال جنگ گرفته شود و هر شیء به دست آمده غنم، مَغْنَمٌ وَغَنِيمَةٌ نامیده می‌شود.^۸

«تَمَلَّوْا» مصدر عربی از مللته و منه مللا و ملالا و ملالة و ملة (از باب سمع) به معنای ملالت و دل‌تنگی آمده است.^۹

در فرهنگ‌های لغت معانی دل‌تنگ و بیزار شدن، سیر شدن، خسته و مانده گشتن، به ستوه آمدن، تنگدلی و آزرده‌گی روحی آمده است.^{۱۰} نعمت نیز به معنای نهایت اکراه^{۱۱} و تغییر

۱. معجم مقاییس اللغة، ص ۴۴۶؛ التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۲، ص ۱۹۸.

۲. المفردات، ج ۴، ذیل واژه نعم.

۳. الصحاح، ج ۵، ص ۲۰۴۱.

۴. قاموس قرآن، ج ۷، ص ۸۵.

۵. همان، ج ۵، ص ۱۲۳؛ مجمع البحرین، ج ۶، ص ۱۲۹؛ التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۷، ص ۲۷۱.

۶. المفردات، ص ۶۱۵.

۷. قاموس المحيط، ج ۴، ص ۱۵۸.

۸. اقرب الموارد، ذیل واژه «غنم».

۹. قاموس قرآن، ج ۳، ص ۲۰۳؛ المفردات، ص ۴۳۸؛ مجمع البحرین، ج ۶، ص ۸۲.

۱۰. فرهنگ نفیسی، ج ۵، ص ۳۴۸۷؛ لغت‌نامه دهخدا، ج ۲، ص ۲۸۰۲.

۱۱. مجمع البحرین، ج ۶، ص ۱۸۰؛ لسان العرب، ج ۱۲، ص ۵۹۱.

و تبدیل به غیر آن چه که بوده^۱ آمده است. این واژه در فرهنگ‌های لغت، در معانی عقوبت، عذاب، کینه، آزار، خستگی و شکنجه آمده است.^۲

براین اساس، دسته‌بندی داده‌های حدیث «إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَأَغْنِيْكُمْ عَنْهَا فَلَا تَمْلُوهَا فَتَتَحَوَّلَ نِقْمًا» به شرح ذیل است:

*رفع نیاز مردم ← در عبارت «حَوَائِجَ النَّاسِ»

*نیاز مردم، نعمت الهی است ← در عبارت «نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ»

*غنیمت شمردن نعمت برآورده ساختن نیاز مردم ← در عبارت «فَأَغْنِيْكُمْ عَنْهَا»

*عدم خسته شدن از نعمت رفع نیازهای مردم ← در عبارت «فَلَا تَمْلُوهَا»

*خسته شدن از برآورده ساختن نیاز مردم، موجب تبدیل شدن این نعمت به عذاب

می‌شود ← در عبارت «فَتَتَحَوَّلَ نِقْمًا»

قابل ذکر است که با توجه به روشن بودن مفهوم ظاهری حدیث، قرینه یا قرآینی در حدیث مذکور به کار برده نشده است.

۶. فهم پیشرفته حدیث «إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، فَأَغْنِيْكُمْ عَنْهَا، فَلَا تَمْلُوهَا فَتَتَحَوَّلَ نِقْمًا»

نیازمندی، در ذات و وجود موجودات امکانی از جمله انسان نهفته است. دین مبین اسلام، دینی با محوریت همگرایی اجتماعی است؛^۳ به گونه‌ای که دستیابی به قلّه کمالات انسانی، با محوریت اجتماع انسانی تسهیل می‌یابد و این‌گونه نیست که انسان بتواند بر پایه خودبینی و خودمحوری به کمالات بایسته و شایسته برسد.^۴ بسیاری از آموزه‌های اسلام، به ویژه آموزه‌های دستوری آن، مرتبط با دیگران سامان یافته است.

از آن جایی که فطرت انسان، الهی بوده^۵ و رفتار بر مبنای وظیفه الهی - انسانی نیز جزو فطرت الهی انسان محسوب می‌شود، آموزه‌های اسلام همواره انسان را به رستگاری، پرهیزکاری و متقی بودن هشیار می‌کند تا در رفتار و تصمیم‌گیرهای خود بر مبنای «محبت»

۱. تاج العروس، ج ۷، ص ۳۳۱.

۲. لغت‌نامه دهخدا، ج ۲، ص ۳۰۳۰؛ فرهنگ نفیسی، ج ۵، ص ۳۷۵۴.

۳. رک: پیام قرآن، ج ۲، ص ۴۵۴.

۴. رک: الکافی، ج ۲، ص ۶۳۵.

۵. سوره حجر، آیه ۲۹؛ سوره ص، آیه ۷۱.

قرار بگیرد؛^۱ ولی انسان به خاطر تفکرات ناصحیحی که در ذهن، در ارتباط با روابط بین انسانی خود و دیگران پرورانده، دچار «رفتار حساب‌گرانه منفی» می‌شود.^۲ منفی بودن این نوع رفتار بدین خاطر است که هر چند رفتار حساب‌گرانه مطابق فطرت انسان است، اما محدود ساختن آن در دایره زندگی دنیایی، هویت این نوع رفتار را مذموم می‌سازد؛ در حالی که دنیا و رفتارهای حساب‌گرانه انسان، باید بستری برای تکامل انسان قرار بگیرد. نظریه‌گزینش حساب‌گرانه یکی از نظریاتی است که در پی تبیین و تحلیل کنش‌های رفتاری در بسترهای مختلف علوم انسانی است. در این بستر، انسان‌ها، کنش‌گرانی هستند که براساس اصالت سود و کسب حداکثر فایده، رفتارهای خویش را تنظیم می‌نمایند. راهبرد اصلی این نظریه، تکیه بر سازوکارهایی است که حداکثر منافع را در قبال کمترین هزینه برای انسان‌ها به ارمغان آورد. این نظریه - که ریشه در افکار اقتصاددانان کلاسیک دارد - انسان‌ها را به مثابه کنش‌گران اقتصادی در نظر می‌گیرد. در این مفهوم، انسان در پی انجام رفتاری است که منافع بیشتری را برای وی به همراه داشته باشد. براساس اصول کلی این نظریه، تمامی انسان‌ها موجوداتی هدفمند هستند و سلايق خود را براساس درجه اهمیت، رتبه‌بندی می‌نمایند.

از طرفی، بهترین گزینش، زمانی حاصل می‌شود که راهبرد اتخاذی منجر به حداکثر سود شود، اصل حداکثر سود و حداقل هزینه متأثر از علم اقتصاد در دیگر رشته‌های علوم انسانی از جمله علوم سیاسی، علوم اجتماعی، جغرافیا، حقوق و... نیز مطرح می‌گردد. نظریه‌گزینش حساب‌گرانه نشأت گرفته از افکار فایده‌باورانی چون بکاریا و بنتام است. بکاریا در رساله جرائم و مجازات‌ها بر این باور است که انسان‌ها حساب‌گرند. بنتام نیز در کتاب اصول اخلاقی و قانون‌گذاری معتقد است، بزهکاران بالقوه، هزینه‌ها و فواید حاصل از ارتکاب جرم را قبل از ارتکاب بزه محاسبه می‌نمایند.^۳

این ایده که انسان‌ها با انگیزه کسب حداکثر سود، اعمال خود را سامان می‌دهند، ریشه در اصول علم اقتصاد دارد. گری بیکر برنده جایزه نوبل اقتصاد معتقد است که جز در موارد استثنایی چون بزهکاران مجنون، دیگر بزهکاران با سنجش هزینه‌ها و فواید ارتکاب جرم و به

۱. رک: تفسیر فرات الکوفی، ص ۴۳۰؛ الکافی، ج ۸، ص ۸۰.

۲. رک: سیر اندیشه اقتصادی، ص ۵۷؛ مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، ص ۷۴، ۱۷۶ و ۱۸۰.

۳. encyclopedia of white collar crimes greenwood, 2007, 248.

کارگیری تحلیل‌های هزینه - فایده به سوی ارتکاب جرم حرکت خواهند کرد.^۱ آدام اسمیت اقتصاددان اسکاتلندی قرن هفدهم نیز نظریه‌های اقتصادی خویش را بر اساس نظریه‌گزینش حساب‌گراانه تبیین می‌کند. وی معتقد است انسان‌ها به واسطه نیروی عقلانی و براساس سلیق شخصی، قادرند حداکثر سود را در روابط اجتماعی و اقتصادی خویش به دست آورند.^۲

نظریه‌گزینش حساب‌گراانه در بسترهای علوم اجتماعی نیز بر این پیش فرض استوار است که کنش‌گران اجتماعی با تمرکز بر فواید حاصل از ارتباط با دیگران، به دنبال کسب حداکثر سود هستند.^۳ مکتب سرمایه‌داری، انسان را به گونه‌ای تعریف می‌کند که به تحریک نفس برای کسب لذت و جلب منفعت، حرکت می‌کند و با اتکا بر عقل حساب‌گر خویش، بهترین راه دستیابی به منفعت، را برمی‌گزیند.

خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ﴾^۴

اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی می‌کنید.

یعنی نیکی و احسانی که انسان به برادران دینی و هم‌نوعان خود می‌کند، در حقیقت بازگشتش به خود انسان است؛ زیرا فرد نیکوکار با احسان و نیکوکاری، شخصیت خود را کامل می‌گرداند و در تحقق تکامل وجودی خویش می‌کوشد. اگر انجام اعمال پسندیده و نیک، انسان را از خسران‌رهایی می‌بخشد و مصداق انسان پیروز و سعادت‌مند می‌شود، به این معنا است که انسان در یک فرآیندی خود را از نقص به کمال می‌رساند. این یک سنت همیشگی است. نیکی‌ها و بدی‌ها سرانجام به خود انسان بازمی‌گردد. هر ضربه‌ای که انسان می‌زند، بر پیکر خویشتن زده است. و هر خدمتی به دیگری می‌کند، در حقیقت به خود خدمت کرده است، ولی مع الاسف نه آن مجازات شما را بیدار می‌کند و نه این نعمت و رحمت مجدد الهی باز هم به طغیان می‌پردازد و راه ظلم و ستم و تعدی و تجاوز را پیش می‌گیرد و فساد کبیر در زمین ایجاد می‌کنید و برتری جویی را از حد می‌گذرانید.^۵

1. criminology, wadsworth, fourth edition, 2011, 84.

2. Amartya sex and rational choice, 2000, 3.

3. Rational choice and sociology, the new palgrave dictionary of economy, 2004, 6.

۴. سوره اسراء، آیه ۷.

۵. رک: تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۲۷.

هریک از احسان و اسائه شما مختص به خود شما است، بدون این که به دیگران چیزی از آن بچسبد، و این خود سنت جاریه خداست که اثر و تبعه عمل هر کسی را، چه خوب و چه بد، به خود او برمی‌گرداند.

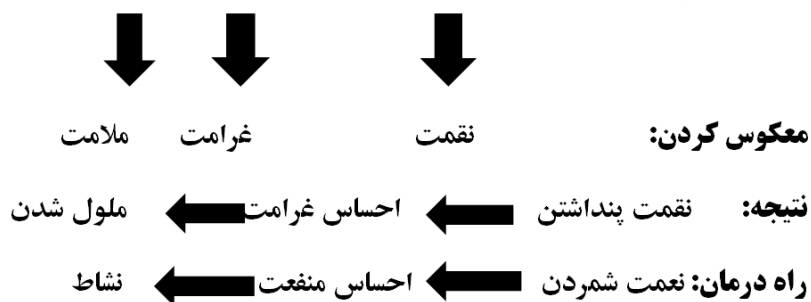
برای فهم قانونمند روایت مذکور، به ترتیب ساختارشناسی، مسأله‌شناسی، سبب‌شناسی، تحلیل یافته‌ها و در نهایت یافته نهایی مشخص و در طی یک فرآیند تأملی، مسأله اصلی روایت تحلیل می‌گردد.

متن	الگوی عاملی / پیامد دنیوی / توصیفی	
<p>بَخَشَها وَ اجزای</p> <p>+</p> <p>نام‌گذاری اجزای</p>	اجزای اصلی حدیث	۱. إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ: بیان یک واقعیت
		۲. فَأَعْتَنِمُوهَا فَلَا تَمَلُّوهَا: دستور و توصیه ۳. فَتَتَحَوَّلْ نِقْمًا: پیامد
<p>کارکردها</p>	۱. عاملیت = علیت (إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ)	۲. وضعیت مطلوب (فَأَعْتَنِمُوهَا فَلَا تَمَلُّوهَا)
	۳. تعلیل برای وضعیت مطلوب (فَتَتَحَوَّلْ نِقْمًا)	

فهم روشمندانه حدیث حوائج الناس و کشف مسأله اصلی این روایت، مبتنی بر یک حرکت معکوس است. در این روش، از یک نقطه تأثیرگذار - که در حدیث وجود دارد (فَأَعْتَنِمُوهَا فَلَا تَمَلُّوهَا) - حرکت خود را آغاز کرده و با دقت تمام و با پرسش‌های منظم و حساب شده، به لایه‌های عمیق‌تر نفوذ شد و بنیان‌های علمی حدیث به دست آمد. از آن جایی که گزاره‌های دینی مبتنی بر قوانین علمی هستند و صاحب شریعت براساس آن‌ها گزاره‌ای را بیان می‌دارد، لذا منبع شریعت با آگاهی از این حقیقت و با اطلاع از قوانین حاکم بر زندگی بشر، به تناسب نیاز، گزاره‌هایی را به منظور اصلاح زندگی مردم یا تعالی آن بیان کرده است. در آموزه‌های الهی، مرحله نزول یا صدور گزاره، حرکت از قانون به گزاره است. بر این اساس، برای به دست آوردن قوانین باید حرکتی معکوس را طراحی کرد. در این روش که نوعی پژوهش معکوس است، نویسنده حرکت پژوهشی خود را از گزاره آغاز کرده و به سمت قانون حرکت می‌کند تا آن را به دست آورد. در این روش، پیش از هر چیز باید موضوع پژوهش مشخص می‌گردید. این موضوع در حقیقت رابطه میان دو مسأله‌ای بود که در حدیث بدان پرداخته شده بود. در گام بعد، نقطه آغاز حرکت معکوس را شناسایی و مشخص گردید. از

آن جایی که برای شروع پژوهش معکوس، یک نقطه آغاز نیاز است و نقطه آغاز، کلیدواژه‌ای است که مرکز ثقل گزاره و مسأله مورد نظر را شکل می‌دهد، لذا نقطه آغاز شناسایی گردید. در مرحله بعد نکته یا نکاتی که به عنوان مرکز ثقل شناسایی شده‌اند، معکوس گردید و یافته‌های آن را ثبت شد. پس از به دست آوردن وجه تبیین، به توضیح رابطه و تبیین مسأله پرداخته شد. در این مرحله تبیین از قانون به دست آمده شروع گردید.

متن اصلی: إِنَّ خَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَأَعْتَنِمُوهَا فَلَا تَمَلُّوا فَتَتَحَوَّلَ نِقْمًا



مسأله‌ای که این حدیث بدان پرداخته است، «ملاحت از نیازهای مردم» است.

۱. احساس گرامت دادن نسبت به نیازهای مردم در پی	بررسی وضعیت	مسأله‌شناسی
نقمت شمردن آن	مطلوب	
۲. ملول شدن از گرامت دادن		

برخی افراد به جهت موقعیت مالی یا اجتماعی که دارند، برای برآوردن نیازهایشان مورد مراجعه مردم قرار می‌گیرند و لذا دچار ملاحت می‌شوند. روایت مذکور، این مسأله را هدف قرار داده و بر آن است تا این ویژگی منفی را از افراد دور سازد. سؤالی که به وجود آمد، این بود که چرا چنین حالتی رخ می‌دهد و امام علیه السلام با چه روشی درصدد رفع این مشکل برآمده‌اند. کلیدواژه اصلی و مرکز ثقل حدیث در این مسأله، واژه «نعمت» است.

نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ

پس از آن، دو کلید واژه فرعی انتخاب شد: یکی اغتنام و دیگری عدم ملاحت. سپس حرکت معکوس آغاز گردید.



از این که حضرت مرکز ثقل درمان ملاّت (فلاتملوها) را نعمت بودن نیاز مردم (نعمه من الله) قرار داده، معلوم می‌شود که علت ملاّت، «نقمت دانستن» نیازهای مردم است.

نقمت شمردن نیازهای مردم	بررسی عامل / روش وضعیت مطلوب:	سبب‌شناسی
-------------------------	----------------------------------	-----------

کسی که نیاز مردم را به خودش نقمت (ضد نعمت) بداند، آن را خسارت (ضد اغتنام) ارزیابی می‌کند و در نتیجه، ملول می‌شود. طبیعی است که برای درمان (یعنی ملول نشدن) باید عکس عمل کرد؛ یعنی باید نیاز مردم را نعمت بداند. کسی که نیاز مردم را نعمت بداند، آن را غنیمت می‌شمرد و در نتیجه، از آن ملول نمی‌گردد. بر همین اساس، امام علیه السلام به بیان واقعیت (نعمت بودن نیاز مردم) می‌پردازد تا با توجه پیدا کردن مردم به آن‌ها احساس ملول شدن از بین برود.

لایه اول: حقیقت پایه	لایه میانی: حالت مثبت و منفی	لایه نمایان: متن حدیث
نعمت یا نقمت شمردن نیازهای مردم / گرایش یا گریز از برآورده کردن نیازهای مردم، تحت تأثیر نظام اندازه‌سنجی (سود یا زیان داشتن) نیازها دارد.	منفی: ۱. مدل خسارت دانستن نیازهای مردم، عامل نقمت شمردن نیازهای مردم است. ۲. مدل نقمت شمردن نیازهای مردم، عامل خسته شدن از نیازهای مردم است. ۳. گرفتاری مردم نتیجه بی‌توجهی به نیازهای هم‌نوعان خود است.	إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ نِعْمَةٌ مِنْ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَاغْتَنِمُوهَا فَلَا تَمَلُّوهَا فَتَتَّخِزَ نِقْمًا
	مثبت: ۱. مدل غنیمت دانستن نیازهای مردم، عامل نعمت شمردن نیازهای مردم است. ۲. مدل نعمت شمردن نیازهای مردم، عامل خسته نشدن از نیازهای مردم است. ۳. آرامش مردم نتیجه توجه ایشان به نیازهای هم‌نوعان خود است.	

اکنون با این یافته، می‌توان فرآیند صدور حدیث را در این حدیث بازخوانی کرد. وقتی معصوم علیه السلام با مسأله گرایش یا گریز نسبت به نیازهای مردم مواجه می‌شود، به قانون پایه مربوطه مراجعه می‌کند و درمی‌یابد که توجه یا بی‌توجهی به نیازها و نیازهای مردم، متاثر از ویژگی غنیمت و خسارت دانستن آن نیازها است؛ به این معنا که گریز یا گرایش انسان به برآورده کردن نیازهای مردم، وقتی اتفاق می‌افتد که فرد معطوف به اندازه‌سنجی (=سنجش سود و زیان) نیازهای مردم شود. در چنین حالتی، خسارت دانستن نیازهای مردم، عاملی می‌شود در نقیمت شمردن نیازهای مردم و گریز از برآورده ساختن نیازهای مردم.

حالت منفی دیگری که این نوع تفکر به دنبال دارد، این است که نقیمت شمردن نیازهای مردم، زمینه خسته شدن فرد را نسبت به نیازهای مردم فراهم می‌سازد و این خستگی انسان - که نوعی بی‌تفاوتی در فرد نسبت به هم‌نوعان خود ایجاد می‌کند - عامل گرفتاری‌های انسان در زندگی می‌شود. افراد بی‌تفاوت و خودخواه لزوم توجه و رفع نیازهای مردم و سالم‌سازی اجتماع را - که یک اصل مهم اسلامی است - نادیده می‌گیرند؛ با این که طبق این اصل، تمام مسلمین وظیفه دارند در مشکلات و هنگام نیاز به کمک یکدیگر بشتابند. بنابراین، کسی که می‌خواهد متخلّق به اخلاق حسنه باشد، باید بکوشد تا روح همیاری و همدردی را در خود ایجاد کند و با اقدام عملی، حالت بی‌تفاوتی و خونسردی را به خونگرمی و سوز و گداز و حس فردگرایی را به روح اجتماعی مبدّل سازد.

<p>• معکوس‌سازی اجزا به تفکیک (لایه اول به صورت تفکیکی):</p> <p>۱. إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ: ◀ نظام نعمت / نعمت‌انگاری نیازهای مردم در نگاه انسان</p> <p>۲. فَأَعْتِنُمُوهَا: ◀ اندازه‌سنجی نعمت نیازهای مردم</p> <p>۳. فَلَا تَمَلُّوهَا: ◀ احساس نسبت به غنیمت شمردن / غرامت‌دادن نیازهای الناس</p> <p>• روابط میان اجزا (لایه اول به صورت شبکه‌ای):</p> <p>۱. سیستم اندازه‌سنجی نعمت نیازهای مردم در درون انسان، تحت تأثیر نظام نعمت و نعمت‌انگاری نیازهای مردم به اوست.</p> <p>۲. سیستم احساسی نسبت به غنیمت شمردن / غرامت‌پنداری نیازهای مردم، تحت تأثیر نظام نعمت / نعمت‌انگاری حوائج الناس است.</p>	
(ثبت یافته)	
<p>• اولاً، در درون انسان یک نظام «نعمت / نعمت‌انگاری نسبت به امور مختلف تعلق دارد.</p> <p>• ثانياً، انسان سیستم اندازه‌سنجی نسبت به نظام مذکور دارد.</p> <p>• ثالثاً، انسان یک سیستم احساسی نسبت به سیستم اندازه‌سنجی نعمات (غنیمت شمردن / غرامت‌پنداری حوائج الناس) دارد.</p> <p>• رابعاً، این سه سیستم با هم ارتباط دارند:</p> <p>۱. «نعمت / نعمت‌انگاری حوائج الناس در ارزیابی اندازه برخورد با آن نعمت اثر دارد.</p> <p>• نعمت‌انگاری حوائج الناس مساوی است با غنیمت شمردن فرصت استفاده از این نعمت.</p> <p>• نعمت‌انگاری حوائج الناس مساوی است با غرامت‌پنداری نیازهای مردم که در پی آن باید به فرد محتاج، غرامت بپردازد.</p> <p>۲. «نعمت / نعمت‌انگاری حوائج الناس در نوع احساس (ملول شدن / نشاط داشتن) نسبت به نیازهای مردم اثر دارد.</p> <p>• نعمت‌انگاری حوائج الناس مساوی است با نشاط داشتن و خرسند شدن از مواجهه شدن با نیازهای مردم.</p> <p>• نعمت‌انگاری حوائج الناس مساوی است با ملول شدن از روبه روشن شدن با نیازهای مردم.</p>	تحلیل یافته

از احادیث استفاده می‌شود که هر کس امکانات خداداده را در رفع نیازهای مردم به کار نگیرد، قهراً آن را در خدمت گناه و دشمنان خدا قرار خواهد داد. در همین زمینه، امام

باقر علیه السلام می فرماید:

مَنْ بَخِلَ بِمَعُونَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ وَالْقِيَامَ لَهُ فِي حَاجَتِهِ (أَلَا ابْتُلِيَ بِمَعُونَةِ مَنْ يَأْتُمُّ عَلَيْهِ، وَ لَا يُوجِرُزُ^۱)

کسی که در کمک کردن به برادر مسلمانش بخل ورزد و از اقدام در انجام حاجتش کوتاهی کند، ناچار می شود به کسی کمک کند که با این امکانات علیه خود او اقدام کرده و در این راه هیچ اجر و پاداشی نخواهد برد.

در روایت دیگری ابی بصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمود:

هر یک از شیعیان ما که نزد یکی از برادران دینی خود برود و از او کمک بخواهد و او با این که می تواند وی را یاری دهد کوتاهی کند، خدای متعال او را گرفتار می کند که حاجت دشمنان ما را برآورد تا بدین وسیله خداوند در روز قیامت او را عذاب کند.^۲

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام می فرماید:

مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَخْذُلُ أَخَاهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى نَصْرَتِهِ إِلَّا خَذَلَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛^۳

هر مؤمنی که برادر دینی خود را یاری ندهد با این که قدرت این کار را دارد، خداوند او را به حال خود واگذارد و در دنیا و آخرت خوار و ذلیلش کند.

همچنین رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

مَنْ أَضْحَجَ لَا يَهْتُمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ، فَلَيْسَ مِنْهُمْ، وَمَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ، فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ؛^۴

کسی که در هر صبحگاه به امور مسلمین همت نگمارد و در اندیشه کارهای آنان نباشد، از آن ها نیست. و کسی که بشنود مردی فریاد می زند و کمک می طلبد و به او کمک نکند، مسلمان نیست.»

همچنان که از لسان روایات مشخص است، در تفکر امامان معصوم علیهم السلام - که نشأت گرفته از معدن علم الهی است - بی توجهی به نیازهای مردم، موجبات گرفتاری انسان را

۱. الکافی، ج ۲، ص ۳۶۶.

۲. همان، ج ۲، ص ۳۶۶.

۳. التوحید، مجلس ۷۳، ص ۵۷۴، ح ۱۶؛ بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۱۲ و ج ۷۵، ص ۱۷.

۴. الکافی، ج ۲، ص ۱۶۶، ح ۵.

فراهم می‌کند. نمونه‌های فراوانی از این قبیل، بیان‌کننده آن است که اگر کسی بتواند نیاز برادر ایمانی خود را برآورد و کوتاهی کند، مورد غضب خداوند متعال قرار خواهد گرفت و ذلت و خواری دنیا و آخرت را برای خویش آماده ساخته است. از این رو، هر کس می‌تواند در خدمت برادران دینی خود باشد باید مضایقه نکند و اگر کسی به او روی آورد، با روی باز او استقبال نماید و آن را نعمتی از نعمت‌های پروردگار بداند؛ زیرا از نعمت‌های بزرگ خداوند حاجت‌ها و تقاضاهای بندگان خدا است که به انسان اعطا می‌شود.

حالت دیگر، یا نقطه مقابل این نظریه، گرایش به برآورده کردن نیازهای مردم است. در این حالت، غنیمت دانستن نیازهای مردم، عاملی می‌شود در نعمت شمردن نیازهای مردم و گرایش پیدا کردن به برآورده ساختن نیازهای مردم. این حالت نعمت شمردن نیازهای مردم، زمینه ملول نشدن فرد را نسبت به نیازهای مردم فراهم می‌سازد و این حالت، بنا بر تفکر و لسان روایات، عامل آرامش (ضد گرفتاری) انسان در زندگی می‌شود؛ همچنان که در لسان روایات از معصومین علیهم‌السلام نسبت به این مسأله اشاره شده است.

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

الاحسان غریزة الاخيار، والاساءة غریزة الاشرار؛^۱

تمایل به نیکی در طبیعت نیکوکاران و تمایل به بدی در طبیعت بدکاران است.

چنان‌که در این باره به گُمیل می‌فرماید:

ای کمیل، به خانواده‌ات دستور ده در تحصیل مکارم اخلاق بکوشند و حتی در تاریکی‌های شب به برآوردن حاجات مردم و رفع گرفتاری‌های آن‌ها بپردازند. سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، هیچ‌کس بر دل انسان مؤمنی سرور و شادمانی وارد نمی‌کند، مگر آن‌که خدا از این عمل خیر، یعنی سرور و شادمانی، مایه لطفی می‌آفریند که در موقع نزول بلا و به هنگام گرفتاری سریع‌تر از سیلاب در سرآشویی، به یاری او می‌رسد و او را نجات می‌دهد.^۲

امام صادق علیه‌السلام در اهمیت و ثواب رفع گرفتاری مؤمنین می‌فرماید:

أَيُّمَا مُؤْمِنٍ نَفَسٌ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً، نَفَسٌ اللَّهُ عَنْهُ سَبْعِينَ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا، وَكُرْبِ

۱. غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۵۱۵.

۲. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۱۴.

يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۱

هر مؤمنی گره از کار مؤمنی بگشاید خداوند هفتاد مشکل از دنیا و آخرتش می‌گشاید.

حضرت در جایی دیگر می‌فرماید:

مَنْ يَسَّرَ عَلَى مُؤْمِنٍ وَهُوَ مُعْسِرٌ، يَسَّرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ حَوَائِجَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ^۲؛

چنانچه مؤمنی در سختی و فشار زندگی باشد و شخصی به آسانی از او گره‌گشائی می‌کند، خداوند سختی‌های دنیا و آخرتش را آسان می‌گرداند.

ذکر این نکته لازم است که برگزیدگان الهی، دلسوزترین افراد به رفع نیازهای مردم بوده‌اند؛ زیرا آنان اسوه و شاخص‌اند و درخت کمال به بالنده‌ترین شکل در وجودشان سر به فلک کشیده است. خداوند متعال در قرآن خطاب به پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

﴿وَخَفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾^۳

پروبال خود را برای مؤمنانی که پیرو تو هستند، بگستران.

عبارت «خفض جناح» - که سه بار در قرآن کریم به کار رفته است - به کنایه، از کمال مهرورزی، عطوفت و خدمت‌گزاری خالصانه و متواضعانه حکایت می‌کند. پیامبران و اولیای الهی دلسوزترین و خدمت‌گزارترین انسان‌ها نسبت به افراد جامعه بوده‌اند. آنان برای هدایت مردم، مشکلات طاقت فرسایی را به جان می‌خریده‌اند. قرآن شریف درباره پیامبر اسلام می‌فرماید:

اوبه خاطر سختی‌هایی که به مردم می‌رسید، بسیار در رنج و ناراحتی بود.^۴

قرآن کریم همواره انسان را به دستگیری، گره‌گشایی، و خدمت‌رسانی به دیگران توصیه نموده است. واژه‌هایی که در قرآن کریم مشوق خدمت‌رسانی است، عبارت است از: احسان، اکرام، انفاق، انعام، ایثار، ایتاء، باقیات الصالحات، برّ، تعاون، رحمت، صدقه، عطیه، فضل، فعل خیرات، قرض، قربان، مسابقه در خیرات و...^۵

۱. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۲ ص ۲۴۰.

۲. همان.

۳. سوره شعرا، آیه ۲۱۵.

۴. سوره توبه، آیه ۱۲۸.

۵. برای نمونه، رک: سوره قصص، آیه ۷۷؛ سوره بقره، آیه ۱۷۷ و ۲۳۷؛ سوره نمل، آیه ۹۰؛ سوره لیل، آیه ۵ - ۶؛ سوره اعراف،

آیه ۵۶؛ سوره توبه، آیه ۱۲۰.

در روایت‌های مختلف نیز بر اهتمام ورزیدن به امور مسلمین تأکید بسیاری شده تا جایی که «ایجاد و تقویت روحیه خدمت به دیگران» به عنوان یکی از اصول مهم تعلیم و تربیت دینی معرفی شده است. وقتی از پیامبر بلندمرتبه اسلام درباره محبوب‌ترین بندگان نزد خداوند سؤال شد، ایشان فرمودند:

محبوب‌ترین بندگان نزد خداوند، آن کسی است که سودش بیشتر به مردم برسد.^۱

در مقابل، کسی که هر روز به امور مسلمانان همت نگمارد، مسلمان نیست.^۲

در جامعه اسلامی، همه افراد در واقع اعضای یک پیکرند. از این رو، افراد باید در جهت رفع نیازمندی‌های یکدیگر بکوشند که این از اجرو پاداش بزرگ برخوردار است. رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید:

کسی که برای برادر مؤمن خود نیازی برآورد، مانند کسی است که روزگار درازی خدا را عبادت کرده باشد.^۳

نعمت‌شمردن رفع نیازهای مردم، به عنوان یک صفت عالی نفسانی که نقش هدایت‌گری را در حیات آدمی ایفا می‌کند، فی‌نفسه سازنده اندیشه پاک آسمانی است و با ایجاد انگیزه و هدف والا و ارزشی او را به سوی پاکی‌ها سوق داده و از زندگی او آثار و برکات فراوان معنوی به جای می‌گذارد و عمل را خالص و پاکیزه می‌گرداند. در نتیجه، عوامل و اسبابی که به تدریج موجبات تنبلی و بی‌مبالاتی، بی‌مهری و بی‌دقتی، کم‌لطفی و بی‌احساسی و عدم احساس وظیفه و قبول مسئولیت و نهایتاً نگرش انتفاعی و منفعت‌جویی را فراهم می‌آورد، از اندیشه و انگیزه او رخت می‌بندد؛ عواملی همچون عجب و ریا و تظاهر، خودبینی و خودخواهی، تقلب و منت‌گذاری و خودمحوری.

در جهان بینی اسلام، از یک سو، مسأله نعمت‌شمردن رفع نیازهای مردم، مقدمه قرب الهی و نوعی عبادت تلقی شده است و از سوی دیگر، به هر اندازه که انسان در بعد شناخت و معرفت حق تعالی رشد و تکامل پیدا کند، عاشقانه‌تر به مردم خدمت می‌کند؛ زیرا شیفته حق، خدمت به خلق را جدای از بندگی خالق نمی‌بیند. پیامبر اکرم ﷺ سودمندی و خدمت به مردم را در کنار ایمان به خداوند، معیار و ملاک ارزشمندی انسان دانسته و می‌فرماید:

۱. رک: الکافی، ج ۳، ص ۲۳۹.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۶۳، ح ۱.

۳. رک: بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۱۵، ح ۷۲.

خَصَلْتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا مِنَ الْبِرِّ شَيْءٌ: الْإِيمَانُ بِاللَّهِ وَالتَّفَعُّعُ لِعِبَادِ اللَّهِ ...^۱

ایمان به خدا و نفع رساندن به بندگان او، دو خصلت نیک است که برتر از آن چیزی نیست. از این بیان استفاده می‌شود که اگر عشق و سوز به مردم - که نمودار محبت به پروردگار است - بر روح آدمی حاکم گردد و با ایمان و اعتقاد به خداوند درآمیزد، انسانی خدمت‌گزار و پرتلاش می‌سازد که هیچ‌گاه از خدمت به دیگران غفلت نمی‌ورزد که به فرموده رسول خدا ﷺ، مسلمانی غیر از خدمت به برادران مسلم و اهتمام در رفع مشکلات آنان نیست:

مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ.^۲

یافته نهایی	۱. نظریه نعمت / نعمت‌انگاری در «اندازه‌سنجی نیازهای مردم»
(ایده)	۲. نظریه نعمت / نعمت‌انگاری در «احساس نسبت به نیازهای مردم»

۷. نتیجه

نتایج کلی پژوهش حاضر، به شرح ذیل است:

- از دیدگاه مکتب اسلام برآورده‌سازی نیازهای افراد جامعه، حد و مرزی نداشته و انسان باید بکوشد در تمام صحنه‌های زندگی خویش، این فرهنگ اسلامی را نهادینه سازد.
- بسیاری از آموزه‌های قرآنی، به ویژه آموزه‌های دستوری آن، مرتبط با دیگران سامان یافته است. انسان از نظر ساختار وجودی به گونه‌ای است که بی‌ارتباط انسانی، هرگز به کمال بایسته خویش نخواهد رسید.
- مسأله اعتبارسنجی حدیث و ملاک‌های آن از مهم‌ترین موضوعات مورد بحث دانشمندان علوم اسلامی بوده است. این پژوهش، محور اساسی خود را بر پایه اعتبارسنجی سندی، منبعی و محتوایی حدیث مذکور قرار داد و بعد از بررسی‌های صورت گرفته، حدیث «إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، فَأَعْتِنُمُوهَا، فَلَا تَمَلُّوهَا، فَتَتَحَوَّلَ نِقْمًا» از بیشترین اعتبار برخوردار گردید.
- حدیث منتخب، مسأله «ملالت از نیازهای مردم» را هدف قرار داده و بر آن است تا این ویژگی منفی را از افراد دور سازد. علت ملول شدن انسان در پی نیازهای مردم، نگاه غرامت‌انگاری داشتن به نیازهای ایشان است. حضرت ﷺ، مرکز ثقل درمان ملالت را،

۱. تحف العقول، ص ۳۵.

۲. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۳۷، ح ۱۱۶.

نعمت شمردن نیازهای مردم قرار داده است. از این رهگذر معلوم می‌شود که علت ملالت، «نعمت دانستن» نیازهای مردم است. کسی که نیاز مردم را به خودش نعمت بداند، آن را خسارت ارزیابی می‌کند و در نتیجه، ملول می‌شود. طبیعی است که برای درمان باید عکس عمل کرد.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- آدام اسمیت و ثروت ملل، محمدعلی کاتوزیان، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، چاپ اول، ۱۳۹۸ ش.
- آشنایی با علوم اسلامی، مرتضی مطهری، تهران: صدرا، ۱۳۹۲ ش.
- آسیب‌شناخت حدیث، عبدالهادی مسعودی، قم: زائر، ۱۳۸۹ ش.
- إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، محمد بن حسن شیخ حرعاملی، بیروت: اعلمی، ۱۴۲۵ ق.
- اخلاق عبادی، علی اصغر الهامی نیا و غلام عباس طاهرزاده، قم: مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، افق فردا، بی تا.
- إرشاد القلوب إلى الصواب، حسن بن محمد دیلمی، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق.
- أعلام الدین فی صفات المؤمنین، حسن بن محمد دیلمی، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق.
- إعلام الوری بأعلام الهدی، علی بن حسن طبرسی، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۰ ش.
- ایمان أبی طالب (الحجة علی الذاهب إلى كفر أبی طالب)، فخار بن معد الموسوی، قم: دارسید الشهداء للنشر، ۱۴۱۰ ق.
- بحار الأنوار، محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- پیام قرآن، ناصر مکارم شیرازی و دیگران، قم: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶ ش.
- تحف العقول عن آل الرسول، ابن شعبه حرانی، قم: آل علی، ۱۳۸۲ ش.
- ترجمه اناجیل اربعه، محمد باقر حسینی خاتون آبادی، به کوشش: رسول جعفریان، تهران: نشر نقطه، ۱۳۸۳ ش.

- تعلیم و تربیت در اسلام، مرتضی مطهری، تهران: صدرا، ۱۳۸۲ش.
- تفسیر فرات الکوفی، ابراهیم بن فرات کوفی، تهران: وزاره الثقافه و الارشاد الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
- تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و دیگران، قم: ذوی القربی، چاپ سوم، ۱۳۷۶ش.
- التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام، حسن بن علی علیه السلام، قم: مدرسة الإمام المهدي علیه السلام، ۱۴۰۹ق.
- تهذیب الاحکام، محمد بن حسن طوسی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
- التوحد، محمد بن علی ابن بابویه، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ دوم، ۱۳۹۸ش.
- ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، محمد بن علی ابن بابویه، قم: دار الشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ق.
- الحیة، محمدرضا حکیمی و محمد حکیمی و علی حکیمی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ش.
- الخرائج و الجرائح، سعید بن هبة الله قطب الدین راوندی، قم: مؤسسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۹ق.
- «درآمدی بر روش شناسی فهم معارف روان شناختی از احادیث»، عباس پسندیده، علوم حدیث، سال دوازدهم، شماره سوم و چهارم، ۱۳۸۶ش.
- الدرة الباهرة من الأصداف الطاهرة، محمد بن مکی شهید اول، قم: انتشارات زائر، ۱۳۷۹ش.
- السدوات، سعید بن هبة الله قطب الدین راوندی، قم: انتشارات مدرسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۷ق.
- الرعاية لحقوق الله، حارث محاسبی، چاپ عبدالقادر احمد عطار، بیروت، بی تا.
- روش فهم حدیث، عبدالهادی مسعودی، تهران: حکمت، ۱۳۸۴ش.
- روش فهم عمومی متون دینی با رویکرد روان شناختی، عباس پسندیده، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۴۰۰ق.
- روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، محمدتقی بن مقصود علی مجلسی، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، ۱۴۰۶ق.
- رياض الأبرار في مناقب الأئمة الأطهار، نعمت الله بن عبدالله جزائری، بیروت: مؤسسة التاريخ العربی، ۱۴۲۷ق.

- سفر پیدایش، ترجمه: مولوی عماد الدین، بیروت: المطبعة الامريكية، الطبعة الثانية، ۱۹۹۲م.
- سفر تشیه، ترجمه: مولوی عماد الدین، المطبعة الامريكية، الطبعة الاولى، ۱۹۸۱م.
- سیر اندیشه اقتصادی، باقر قدیری اصلی، تهران: دانشگاه تهران، چاپ هشتم، ۱۳۸۷ش.
- شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، محمد بن حسین آقا جمال خوانساری، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ش.
- شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، عبد الحمید بن هبة الله ابن أبي الحديد، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ۱۴۰۴ق.
- الصالح، اسماعيل بن حماد جوهری فارابی، بیروت، دار العلم للملايين، ۱۴۰۴ق / ۱۹۸۴م.
- صحيفة سجادية، علی بن حسین زین العابدین، تهران: پیام آزادی، ۱۳۷۴ش.
- الطراز الأول والکناز لما عليه من لغة العرب المعول، علی خان بن أحمد مدنی شیرازی، مشهد: مؤسسة آل البيت للإحياء التراث، ۱۳۸۴ش.
- «طول و عرض علوم انسانی»، علی اصغر خندان، سوره اندیشه، شماره ۶۴ و ۶۵، ۱۳۹۱ش.
- عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سيدة النساء إلى الإمام الجواد)، عبد الله بن نور الله بحرانی اصفهانی، قم: مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، ۱۴۱۳ق.
- عيون الحکم و المواعظ، علی بن محمد لیثی واسطی، قم: دار الحديث، ۱۳۷۶ش.
- غرر الحکم و درر الکلم، عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، قم: نشر دار الحديث، ۱۳۸۳ش.
- کشف الغمة فی معرفة الأئمة، علی بن عیسی اربلی، تبریز: بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.
- الکافی، محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
- کتاب مقدس، انجیل متی، تهران: انجمن کتاب مقدس، ۱۳۶۳ش.
- کتاب مقدس، عهد عتیق. مزامیر داود، تهران: افکار، ۱۳۸۴ش.
- گنجینه ای از تلمود، ابراهام کهن، ترجمه: امیر فریدون گرگانی، تهران: اساطیر، چاپ اول، ۱۳۹۰ش.
- المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، قم: دار الکتب الإسلامية، چاپ دوم، ۱۳۷۱ق.
- مدينة معاجز الأئمة الإثنی عشر، سید هاشم بن سلیمان بحرانی، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۴۱۳ق.
- مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۴ق.

- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسین بن محمد تقی نوری، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، ۱۴۰۸ق.
- مسیح، کارل یاسپرس، ترجمه: احمد سمیعی گیلانی، تهران: خوارزمی، چاپ سوم، ۱۳۸۹ش.
- مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، علی بن حسن طبرسی، نجف: المكتبة الحيدرية، ۱۳۸۵ق.
- مصادقة الإخوان، محمد بن علی ابن بابویه، الکاظمیه: مكتبة الإمام صاحب الزمان العامة، ۱۴۰۲ق.
- مفردات الفاظ قرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
- مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، ناصر کاتوزیان، چ بیست و ششم، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۹ش.
- مناقب آل ابي طالب عليه السلام، محمد بن علی ابن شهر آشوب مازندرانی، قم: علامه، ۱۳۷۹ش.
- منشور جاوید، جعفر سبحانی، قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام، ۱۳۸۳ش.
- منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، میرزا حبیب الله هاشمی خویی، تهران: مكتبة الإسلامية، ۱۴۰۰ق.
- نامه اول قرنیتان، ترجمه: مولوی عماد الدین، بیروت: المطبعة الامريكيه، الطبعة الثالثة، ۱۹۹۹م.
- نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، حسین بن محمد بن حسن بن نصر حلوانی، قم: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، ۱۴۰۸ق.
- نهج البلاغه، محمد بن حسین سید رضی، قم: دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۹ش.
- نهج الفصاحة (مجموعه كلمات قصار حضرت رسول صلى الله عليه وآله)، ابوالقاسم پاینده، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ش.
- النور المبين فی قصص الأنبياء و المرسلين، نعمت الله بن عبد الله جزائری، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ۱۴۰۴ق.
- الوافی، محمد محسن بن شاه مرتضی فیض کاشانی، اصفهان: کتابخانه امام أمير المؤمنين عليه السلام، ۱۴۰۶ق.
- وسائل الشيعة، محمد بن حسن حر عاملی، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، بی تا.

encyclopedia of white collar crimes greenwood, press, first published, Gerber and Jenson, ,
2007.

criminology, wadsworth, fourth edition, Siegel, larry, 2011

Amartya sex and rational choice, Ooms, Erik,, in www.britannica.com/eb/artical.

Rational choice and sociology, the new palg rave dictionary of economy, Hedstorm, peter and
etc,, 2004.